

بررسی سبکی و فکری نسخه خطی دیوان اظهري شیرازی، شاعر قرن یازدهم

رعنا نوحی^۱، اصغر دادبه^{۲*}، عبدالرضا مدرّس زاده^۱

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

دی ۱۴۰۰، دوره ۱۴، شماره پیاپی ۶۸، صفحات ۹۵-۱۱۵

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۴.۵۶۹۱

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: اظهري شیرازی شاعر گمنام قرن یازدهم هجری است که درباره این سراینده پژوهشی نشده است. اساس مقاله حاضر بر پایه نسخه منحصریفرّد موجود در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری است و هدف آن بررسی سبکی و فکری نسخه خطی این شاعر عهد صفوی است.

روش مطالعه: مقاله پیش رو، مطالعه‌ای درون‌متنی، سبک‌شناسانه و نظری است که به شیوه پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه، دیوان اظهري شیرازی است.

یافته‌ها: در دیوان اظهري، سبک اصفهانی را همراه صنایع و بدایع لفظی و معنوی میتوان یافت. زبان اشعار این شاعر، ساده و غزلیاتش بسیار لطیف است. با وجود اذعان شاعر به سرودن اشعار ترکی، اثری از آن در این نسخه یافت نشد. شعر او از جنبه‌های گوناگون در میان دیوان همعصران خود از امتیازاتی برخوردار است؛ از جمله در داشتن عنوان برای قصاید، پرداختن به نعت و منقبت، خودستایی، غزلیات و رباعیات شورانگیز عاشقانه، مثنویات هزل و هجوآمیز، و قطعات حاوی ماده تاریخ قابل توجه است. همچنین انواع فواید زبانی و ادبی در این دیوان بچشم میخورد.

نتیجه‌گیری: اظهري شیرازی به شیوه دیگر شاعران سبک اصفهانی طبع آزمایی کرده است. زمان حیات شاعر را براساس ماده تاریخهای دیوان، میان سالهای ۹۹۱ تا ۱۰۶۱ هجری یا کمی پس از آن میتوان دانست. در سطح فکری و محتوایی، موضوعات مذهبی، عاشقانه و هزل از درونمایه‌های اصلی اشعار اوست. در سطح زبانی، برخلاف شاعران سبک اصفهانی، واژه‌های عامیانه در اشعار او کمتر بچشم میخورد. بکارگیری وزنهای خاص و ردیفهای طولانی از ویژگیهای اشعار اوست. در سطح ادبی واج‌آرایی، تکرار، انواع جناس و نیز صور خیال، تشبیه، استعاره، کنایه، تلمیح، مراعات نظیر و اسلوب معادله بالاترین بسامد را در اشعار او دارد.

تاریخ دریافت: ۰۵ آذر ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۰۷ دی ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۲۲ دی ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۰۷ اسفند ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

اظهري، قرن یازدهم،

سبک اصفهانی (هندی)،

خودستایی، نعت و منقبت،

عشق، هزل.

* نویسنده مسئول:

adaadbeh@yahoo.com

۵۵۵۴۰۰۵۵ (+۹۸ ۳۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistic and intellectual study of the manuscript of Divan of Azhari Shirazi, eleventh century poet

R. Nouhi^۱, A. Dadbeh^{۲*}, A. Modarreszadeh^۱

^۱- Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

^۲- Department of Persian Language and Literature, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Recived: ۲۵ November ۲۰۲۰
Reviewed: ۲۷ December ۲۰۲۰
Revised: ۱۱ January ۲۰۲۱
Accepted: ۲۵ February ۲۰۲۱

KEYWORDS

Azhari Shirazi, Budagh,
eleventh century,
Isfahani style, boasting

*Corresponding Author

✉ adaadbeh@yahoo.com

☎ (+۹۸ ۳۱) ۵۵۵۴۰۰۵۵

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Azhari Shirazi is an anonymous poet of the ۱۱th century AH who has not been researched about this poet. The basis of the present article is based on the unique version available in the library of Shahid Motahari High School and its purpose is to study the style and thought of the manuscript of this Safavid poet.

METHODOLOGY: The present article is an intra-textual, stylistic and theoretical study that has been done by library research method. The study area and community is Shirazi Divan.

FINDINGS: In Isfahani Divan, Isfahani style can be found along with verbal and spiritual industries and innovations. The language of this poet's poems is simple and his lyric poems are very delicate. Despite the poet's acknowledgment of composing Turkish poems, no trace of it was found in this version. His poetry has advantages in various aspects among the court of his contemporaries; Notable are the titles for the poems, the lamentation, the boasting, the romantic lyricism and quatrains, the humorous and satirical Masnavi, and the pieces containing the material of history. I also enjoy a variety of linguistic and literary benefits in this divan.

CONCLUSION: Azhari Shirazi has experimented with other Isfahani style poets. The time of the poet's life can be considered according to the articles of the Divan, between the years ۹۹۱ to ۱۰۶۱ AH or shortly after. At the intellectual and content level, religious, romantic and humorous themes are the main themes of his poems. At the linguistic level, unlike Isfahani style poets, slang words are less noticeable in his poems. The use of special weights and long lines is a feature of his poems. At the literary level, phonology, repetition, types of puns, as well as forms of imagination, simile, metaphor, irony, allusion, observance, and style of equation have the highest frequency in his poems.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.14.0691](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.14.0691)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۳	 ۵	 ۰

مقدمه

در بررسی سبکی و محتوایی نسخه خطی دیوان اظهري شیرازی، اشعار در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد ارزیابی سبک‌شناسانه قرار خواهد گرفت تا با تحلیلهای برآمده، تلقی روشنی از اشعار این شاعر بدست آید. سؤال اصلی تحقیق پیش رو، چگونگی شعر شاعر از نظر سبکی و محتوایی است. نگارنده تلاش میکند در مقاله حاضر، پس از معرفی کوتاه این شاعر و دیوان ناشناخته او، با نگرشی مبتنی بر لایه‌های ایدئولوژیک به بررسی عناصر بلاغی آن بپردازد و میزان کارکرد این عنصر را در ارائه سطح سبکی و محتوایی صاحب آن، بیان کند. در این بررسی، اهداف زیر مورد ارزیابی قرار گرفته‌است:

- بازتاب قلمرو فکری اظهري شیرازی در دیوانش؛
- عناصر بلاغی بیانگر ویژگیهای سبک این دیوان؛
- ارزیابی سبک شعر شاعر از دیدگاه زبانی.

پژوهش پیش رو، مطالعه‌ای نظری است که به شیوه پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است. دامنه این مطالعه، نسخه خطی دیوان اظهري شیرازی است که در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (کتابخانه سپهسالار) موجود است. نیز بررسی تذکرة‌های متعدد که نشانی از این شاعر و شعر او داده باشند.

ضرورت و سابقه پژوهش

گمنامی و ناشناختگی این شاعر و در دسترس نبودن دیوانش، انگیزه اصلی این پژوهش است. این مقاله به بررسی شعر اظهري شیرازی، یکی از شاعران سبک اصفهانی می‌پردازد تا زیباییهای زبانی، ادبی و فکری آن را نشان دهد. همچنین ثابت میکند که این اثر در جریان این سبک، جایگاهی ارزنده و درخور توجه دارد، چنانکه در جای جای دیوان، سراینده خود را شاعری بلندمرتبه میداند که در شعر فارسی، به انوری پهلوی می‌زند و در شعر ترکی، هم‌سخن فضولی بغدادی است.^۱ پس نمیتوان از اشعار شاعران این دوره، بویژه اظهري با نگاهی سطحی گذشت. دیوان اظهري شیرازی نسخه‌ای منحصر بفرد است که در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری نگهداری میشود. تا آنجاکه نگارنده این سطور بررسی کرده است، این دیوان تاکنون تصحیح نشده و درباره اظهري شیرازی و اثر او، کتاب و مقاله‌ای هم نوشته نشده است. ازاینرو میتوان بجرئت ادعا کرد که موضوع پژوهش تازه است و پیشینه‌ای در حوزه خود ندارد. در تذکرة‌ها نیز نامی از او نبود. فقط نام این شاعر در کتاب *تاریخ ادبیات در ایران*، اثر ذبیح الله صفا با توضیح مختصر و نمونه شعر او آمده است (صفا، ۱۳۷۱).

بحث و بررسی

نسخه و ویژگیهای کلی آن

این نسخه با شماره ۳۷۷ در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری است. خط آن نستعلیق، با اندازه ۱۵*۲۴، دارای ۳۴۳ برگ است. صفا میگوید: «از سخنان شاعر هویداست که در دانشهای زمان دست داشته و دیوان استادان قدیم را تتبع نموده و بویژه، در قصیده‌گویی پیرو آنان بوده و علاوه بر نظم استوار خود، نثری پخته

۱- فارسی خود سرم با انوری در گفتگوست ترکیب از بوالفضولی با فضولی هم‌سخن (قط ۲/۲۲۰)

داشته و بر روی هم شاعری ادیب و حکیمی شاعر بوده است» (صفا، ۱۳۷۱). «در عصر صفویه از نثر مصنوع در فرمانها و منشآت و دیباچه کتب استفاده میشد» (شمیسا، ۱۳۹۳).
از نظر محتوایی دارای قصاید مذهبی، غزلیات و رباعیات عاشقانه، قطعه‌های دارای مدح و مآده تاریخ و مثنویهای هزل‌آمیز است. شاعر خود کاتب سروده‌هایش است و همچون سعدی می‌اندیشد:
«کهن خرقه خویش پیراستن / به از جامه عاریت خواستن»
در بررسی آماری دیوان اظهري به این نتایج رسیدیم:

قالب	قصیده	غزل	قطعه	مثنوی	رباعی	در مجموع
تعداد	۸۳	۶۲۹	۲۲۱	۷	۵۰۲	۱۴۴۲
تعداد ابیات	۳۳۹۱	۴۵۰۲	۱۲۶۱	۲۷۱	۱۰۰۴	۱۰۴۲۹

درباره زندگی شخصی و شاعری اظهري

بوداق اظهري شیرازی، سراینده سده یازدهم بود. آگاهی نگارنده از او منحصر به دیوان اوست. شاعر در سال ۹۹۱ه. دیده به جهان گشود و ۱۰۳۰ سال سرودن این صحیفه است. در ترقیمه گوید در ۱۰۵۴ه. شصت‌وسه ساله بوده است و در حاشیه دیوان، سال ۱۰۶۱ را مصادف با هفتادسالگی خود میدانند. از کودکی شعر میسرود و «اظهري» تخلص مینمود.^۱ و خود را طی‌اللسان میدانست و شغل دیوانی داشت. او با شیوع وبا در سوگ فرزند و عزیزانش مرثیه میسراید.

اظهري و معاصران او

شاعر، هم‌دوره حکیم شفايي (م. ۱۰۳۷ه.)، کلیم (م. ۱۰۶۱) و شیدای فتحپوری (م. ۱۰۸۰ه.) بود. در غزل از سعدی و حافظ، در قصیده از خاقانی (قص ۱۰/۷۳)، انوری (قص ۳۵/۲۱) و جامی (قص ۲۹/۷۷) پیروی میکند. در قطعه نیز دنباله‌رو انوری است. همچون مسعود سعد، اجرام سماوی با او دشمنند. اظهري در استقبال از خاقانی در: صبح‌دم چون کله بندد آه دودآسای من / چون شفق در خون نشیند چشم شب‌پیمای من چنین میسراید:
چهره پنهان کرده خورشید از شب یلدای من / رخ خراشیده است ماه از حالت سودای من
طایران قدس را باشد به هر شام و سحر / همچو بلبل، ناله از شوق گلِ حمراي من

ویژگیهای سبکی و محتوایی نسخه

سطح فکری: حاکمیت شیعی دوره صفویه، تغییری بنیادین در شعر سبک اصفهانی ایجاد نمود. در این دوره با وجود غلبه اشعار مذهبی، تنوع موضوع نیز وجود دارد. با بررسی دیوان اظهري، شالوده فکری و ایدئولوژی شاعر را میتوان در چند عنوان و مبحث کلی به شرح زیر نشان داد:
نعت و منقبت در قصاید

۱- قریب پنجه سال است کاین تخلص من / به اظهري شده در روزگار، افسانه (قط ۱/۱۷۵)

شاعر در آغاز دیوان، پس از دیباچه منثور منشیانه، ۱۸ قصیده در نعت پیامبر گرامی (ص) و با ۲۶ منقبت به ستایش علی (ع) میپردازد. سپس به مناقب سایر ائمه، ستایش پادشاهان و مضامین دیگر روی می‌آورد. انتخاب عنوان برای قصاید، ویژگی خاص اوست. برای نمونه: وردالابرار، ضیاءالقلوب، منتخب‌التفایس، مجمع‌النوادر، تحفه‌الخیال، فخرالمساکین، افتخارالملوک، نزهت‌الارواح، تسکین‌القلوب، ملح‌الکلام، تحفه‌الاغنیاء.

نمونه:

یک بنده را به مملکتِ شرع، پادشاه
هست آن شهی که شد به جلالش جهان، گواه
أجرامِ چرخ، سوده به خاکِ درش، جباه
(قص ۱۱/۱۳ تا ۱۵)

روح‌الامین به درگاه اگر باشدش مقیم
گر نه فلک به نطع اساسش شود ادیم
خاشاک آستان تو چون طره نسیم
معمار بارگاه تو بودی مگر کلیم
قول فقیه کی سزد و نکته حکیم
(قص ۱۱/۸ تا ۱۴ و ۲۰)

صورت‌طراز کون و مکان آن که کرده است
دانی که کیست بنده خاصِ جلال او
أعنی محمدِ عربی آن که از علو

آن سروری که نیست به دربانیش روا
آن خسروی که مینسزد در
نشمنش
روبد قضا ز شهر جبرئیل و جعد
حور
بنای درگهت یدِ بیضا به کار داشت
آنجا که من به نعت تو کردم سخن سرا

ر.ک: (غزل ۱)، (غزل ۱۲۲)، (غزل ۳۴۳) و (قط ۲۸).

بیان اندیشه‌های دینی و اخلاقی

پرداختن به مضامین دینی و اخلاقی، از ویژگیهای دیوان است از جمله این مفاهیم: تسلیم در برابر خواست الهی، ناپایداری ثروت و منصب، دلجویی از نیازمندان در هنگام ثروتمندی، پرهیز از زخم زبان، کینه‌جو نبودن، دنبال لذت‌های زودگذر نرفتن، عدم آزمندی به مقام و منصب دنیوی، سرخوش نشدن به هر کاری، توجه به سن، دنبال علایق زودگذر نرفتن و به فکر توشه‌ اخروی بودن (ر.ک: قص ۶۹)، اما شاعر با همه نصایح شاعرانه، خود را پندناپذیر میداند:

«بر اظهري اظهار نصیحت بود از چهل / دیوانه دیرینه کجا قابل پند است» (غ ۷/۱۲۹)

عشق

غزلیات و رباعیات اظهري همچون شاعران سبک عراقی بسیار دلنشین است. با وجود آنکه «قالب شعر در سبک هندی تکبیت است نه غزل، منتها این ابیات با نخ قافیه و ردیف به هم وصل شده و شکل غزل یافته‌اند» (شمیسا، ۱۳۹۴). «مهمترین بحث سبک هندی در حقیقت حتی بیت هم نیست بلکه مصراع است» (همان). مضمون غزلها و رباعیات اظهري، عشق است و تأثیر عشق در شعر او چندان است که خود گوید: «آنچنان کرده گم خاصیت نشئه عشق / که سر از پا نکنم فرق و قبا از مَدیل» (قص ۳۰/۳) اظهري در دیباچه غزلیات گوید: «به میامین تأییدات الهی، مجموعه غزلی است که سوادش از گلستانِ حسن یوسفی، داستانی؛ و نقوطش بنفشه‌ای است از بوستانِ رخساره‌ بتان رسیده» برای نمونه:

شیران جهان به آهوی چشم تو صید در قبضه فرمان تو چه عمرو، چه زید
از دام تو آفریده‌ای نیست خلاص زلف تو کشیده است خورشید به قید (ر/۳۵۸)

مناجات

اظه‌ری گاه به مناجات و راز و نیاز با حضرت خداوندی می‌پردازد. از جمله در قصیده ۸۲ موسوم به «ارواح الابدان» در ۶۱ بیت ۷۶ بار خدای تعالی را قسم می‌دهد و در آن از درگاه ایزدی می‌خواهد که او را از درگاه خود ناامید نکند، همچنین به امید سفلگان وانگارد و از معاصی او بگذرد. (ر.ک: قص ۸۳)
که رحم بر من بیچاره کن به رحمت خویش / ز بحر غصه بکش زورقِ دلم به کنار (قص ۵۰/۸۲)

رکاکت لفظ و معنا

هزل و هرزه‌گویی بخشی از مضامین شعر اظه‌ری را تشکیل می‌دهد. این ویژگی در شعر او، چه بسا تحت تأثیر سبک رایج زمانه است. مثنوی دوم و سوم دیوان، در هجو قاضی شهر، سرشار از رکاکت لفظ و معنی است، بطوریکه برای نمونه نیز، در این مقال نمی‌گنجد. گفته شده «هزل در ادبیات، به سخنی می‌گویند که لحن و مضمونی رکیک و خلاف ادب داشته باشد» (رکاکت، سستی و پستی و ابتذال لفظ و معنی است) (همایی، ۱۳۶۸). البته شاعر به هذیان‌گویی خود، در انتهای رباعیات اعتراف می‌کند و می‌گوید: «بعضی اشعار مقطعات و مثنویات و غیره که زیاده از ترهات نسخه مرقومه به کسوت رسوایی ملّیس و به عبارات هذیان، ملوث بود و موافق گفتگوی این سن، و نوشتن این روزگار نبود از دیوان اخراج نمود با وجود مهر پدرفرزندی، طبیعت لایق ندانست» (ترقیمه ۳۳۶ر). باوجوداین شاعر علاوه بر مثنویهای اشاره‌شده، در ۴۲ قطعه و ۱۴ رباعی از مدار نزاکت ادبی دور شده است. وی هزل‌پردازی خود را چنین توجیه می‌نماید:

اختلاط شعرا نیست به جز اینکه آرند از ثنایت به کمال و ز هجایت به خلل
گاه نوش است، گهی نیش، از این رسم مرنج داری از میل ملاقات به زنبورِ عسل (قط ۱۴۶)

عرفان

عرفانی که در دیوان اظه‌ری شیرازی با آن روبرویم، عرفانی معتدل از نوع عرفان سعدی است. شاعر میکوشد عرفان را چاشنی غزلیات و رباعیات خود سازد نه اینکه اساس تفکر او باشد. مضامین عارفانه در اشعار اظه‌ری بسیار کم‌رنگ است.^۱ او می‌گوید:

عارف در یامسیر کو که به دامن دل از صدفِ خاطرِ گوهرِ عرفان برد؟
(قص ۱۵/۷)

فخرالفضلا، فارس میدان فصاحت سلطان سخن، پیر طریقت، شرف زرد
از حُسنِ رضا، پایه نه مرتبه سوز در فقر و فنا، زنده کن قاعده درد (قط ۱/۴۰ و ۲)

۱- ر.ک: (غزل ۱)، (غزل ۱۲۲)، (غزل ۳۴۳) و (قط ۲۸).

بعضی اصطلاحات عارفانه دیوان: فقر و فنا: (قط ۲/۴۰)، سیمرغ: (غ ۷/۱۰۳)، تجلی: (قص ۸۵/۲۸)، عزلت: (قص ۱۷/۷۴)، عشق: (غ ۱۷/۴۰ تا ۷)، عنقا: (قص ۲۹/۲)، خط و خال: (غ ۷/۴۴۵) و هجران: (غ ۴/۲۷۲) و... .

مدح رثای کسان

در دیوان اظهري مدح کمتری بچشم میخورد، چراکه خود میگوید:

نگشتم در گه جمشید منزل	نکردم سده کاووس مسکن
نبردم تحفه نزد کس به اشعار	نیفکندم متاع خود به گلخن»
(قص ۳۵/۷۳ و ۳۶)	

با این حال، قصاید و قطعاتی چند در مدح و در مواردی نیز رثای بزرگان و صاحب‌منصبان روزگار او وجود دارد که در آنها اظهري مهارت خود را در توصیف ممدوحان چنین بنمایش گذاشته است:

ز فکر مدح تو مسرور، خاطر ماح	ز فکر رمح تو مجروح سینه بدخواه
(قص ۲۷/۵۷)	

از مدایح او باید به قصیده‌ای ۸۵ بیتی در مدح شاه عباس ثانی^۱ (قص ۶۰)، قصیده‌ای ۳۲ بیتی در مدح میرزاتقی وزیر (قص ۶۵) و قصیده ۳۷ بیتی که ممدوح مشخصی ندارد (قص ۶۷)، همچنین قصیده ۲۳ بیتی در مدح اسماعیل سلطان (قص ۶۸)، و ستایش حکیمی رمال (قص ۶۳) اشاره نمود. نیز شاعر در دو قصیده به رثای پسر خود میپردازد (قص ۷۰ و ۷۱). با اینهمه شاعر خود را مداح نمیداند و از این کار بی‌زاری میجوید:

در سخن گاهی ظرافت مینمایم، ورنه کی	گر برای نعمت دنیا کند وصف کسی
آبروی طبع خود ریزم به وصف ناکسان	طبع را با گزلک غیرت، کنم قطع اللسان»
(قط ۳۴/۱ و ۲)	

شریطه

اظهري در انتهای نعتها و منقبتها و قصاید مدحی و گاه در قطعات، شریطه می‌آورد. «رسم شعرا این است که قصاید مدحیه را به ابیاتی که مشتمل بر دعای ممدوح باشد ختم کنند... معمولاً بصورت دعای تأبید، یعنی متضمن معنی دوام و همیشگی است» (همایی، ۱۳۶۸). برای مثال:

همیشه تا که بود اعتبار جسم به روح	مدام تا که بود افتخار فرق به تاج
عروس فکر مرا از نوازش تو قبول	حدیث طبع مرا از مدایح تو رواج
(قص ۳۰/۱ و ۳۱)	

خودستایی و مفاخره اظهري در عالم شعر و شاعری

تسلط اظهري در سرودن انواع شعر، همچنین عزت نفس و مناعت طبع، او را به غرور و خودستایی سوق داده - است. او در دیوانش بیش از دیگرستایی، به خودستایی میپردازد و مفاخره‌های خود را چنین توجیه میکند:

«نیست ممدوح، چنانی که بود درختر	خاصه امروز در ایران که بود ویرانی
وصف	که توان گفت که باشد به ثنا ارزانی»
(قص ۲۸/۱۴ و ۲۹)	
زان سرایم صفت خود که نیابم شخصی	

۱- «عباس شه آن شاه فلک قدر که گردید خورشید جهان تاب زمین را و زمان را» (قص ۱۹/۶۰)

«حسن برتری‌جویی شاعران مطرح این دوره نسبت به شاعرانی چون انوری و خاقانی بیش از مفاخره معمولی شاعرانه است» (مدرس‌زاده، ۱۳۹۴).
اظه‌ری مدّعی است که ایران با داشتن این شاعر بر خود مینازد.

«اظه‌ری، ای به هنر، مصرِ سخن را بانی
چون ننازد به خود ایران، که تویی ایرانی»
(قص ۱/۱۴)

سخن خود را در قیاس با سخن دیگران همچون قیاس قرآن با انجیل میدانند:
حدیثِ غیر در پیشِ کلامم چو انگلیون بر فرقان، فروتن
(قص ۲۸/۷۳)
او ا‌رطیون، افضل و اعلم حکمای روم را در مقابل خود الکن میدانند (قص ۲۹/۷۳) و کتاب *قانون* ابن سینا در مقابل اشعار او شرمسار است: (غ ۸/۱۰۴).

ماده تاریخ‌سازی

شاعر برای تولّد و مرگ فرزندان، شاهزادگان و امیران، همچنین ساخت بنا و روضه و نیز رویدادی خاص، بیش از چهل ماده تاریخ ساخته که اغلب آنها را از زبان پیر خرد بیان میکند در پاره‌ای از آنها، خود، سال موردنظر را هم در پی آن مینویسد. نمونه:

خرد را چو خوش آمد این بنا، از ذوق با من گفت
که تاریخش «به خوبیها نشاط‌آباد می‌آید»
(قص ۱۹/۸۰)

سال ۱۰۵۹ تاریخ ساخت بنایی.

نوشت پیر خرد، بهر سال تاریخش
«عزیز پیرو دین محمدست علی»
(قط ۵/۵۱)

۱۰۳۸ تاریخ تولّد امیرزاده اعظم، علی بیگ.

گفتا که به سالها همی جُست، بگو:
«با شمع طرب، بزم بقا پروانه»
(قط ۵/۵۷)

سال ۱۰۴۰ تاریخ درگذشتی.

خمیره

در عصری که صفویه بر طبل تشیع میکوفت، سخن از میگساری در دیوان شاعران این دوره، از جمله اظه‌ری، فراوان است. صفا مینویسد «از عیبهای بزرگ صفویه، شرابخواری همه آنهاست که شراب را در قسمتی از مدّت فرمانروایی خود منع کرده بودند» (صفا، ۱۳۷۱).
اظه‌ری گوید: یک بار از نوشیدن می، توبه میکند اما در بزمی، آن عهد را زیر پا میگذارد.

بر مجمعی فتاد گذارم، که اندر او	خوردند خونِ دخترِ رَز را مثالِ آب
ساقی سیمِ ساق، صُراحی به کف گرفت	از عکسِ حُسنِ ساغرِ می، ساخت آفتاب
رو سوی من نهاد که ای ننگِ اهلِ زرق	زین سیلِ باده، خانه زهدت کنم خراب
گفتم که تاییم، به لبِ پر ز خنده گفت:	«مستِ جنونی و نبود که توبهات حساب

(غ ۸۹/۲ تا ۵)

«در خود دربار صفوی به دور از چشم شیخ الاسلام و مفتی شرع، شراب نوشیده میشد و مسائل اخلاقی چندان رعایت نمیشد و... متأسفانه برخی از شاعران از شدت باده‌گساری جان خود را ازدست داده‌اند» (مدرس‌زاده، ۱۳۹۴). نمونه را:

با بختِ تهی‌کیسه چه کار است؟ تو ساقی	لبریز کن از جوهرِ می، ساغرِ ما را
--------------------------------------	-----------------------------------

(غ ۴۲/۵)

بث‌الشکوی

اظهري به گونه شاعران سبک خراسانی و عراقی، انواع شکواییه‌های شخصی، اجتماعی و... را در دیوان خود می‌آورد. گاه «شکوه‌هایی است که از دردها و رنجهای شخصی و فردی ببار می‌آید. میتوان این دردها و رنجها، و در نتیجه شکوه‌ها و شکایتها را به دو دسته تقسیم کرد و قسمتی را طبیعی و مادی، و قسمتی را معنوی و روحی نامید» (دادبه، ۱۳۸۱).

تا چند خون دل خورم از کار و بار چرخ	با جان دهم قرار، غم روزگار چرخ
تا چند جان کنم هدف ناوک بلا	از بخت شوم و گردش ناسازگار چرخ

(قص ۲۶/۲۱)

کاربرد اصطلاحات علمی و تعابیر

اصطلاحات و واژه‌های نجومی، اجرام و صورتهای فلکی

شاعر در سراسر دیوان بویژه در قصیده ۶۰ بیتي موسوم به «مطالع التّجوم» به صور و اجرام سماوی می‌پردازد. چه ادیبی تو که برجیس و عطارد دارند در دبستان خیال تو سر صبیانی

(قص ۱۴/۶)

نام تعدادی از صور فلکی و سیارات بکاررفته در دیوان، همراه با نشانی بیت چنین است: دوپیکر: (قص ۳۹/۱۳)، سرطان: (قص ۶۰/۳۸)، سنبله: (قص ۶۱/۱۰)، خوشه: (قص ۶۱/۹)، عقرب: (قص ۶۱/۶)، جدی: (قص ۷۷/۴۱)، خرچنگ: (قص ۴۷/۲۳)، دلو: (قص ۱۱/۷)، حوت: (قص ۳۵/۲۲)، عطارد: (قص ۳۵/۳۳)، تیر: (قص ۲۸/۱۱۷)، زهره: (قص ۴۹/۲۸)، ناهید: (قص ۵۱/۲۶)، بهرام: (قص ۷۹/۱۸)، مریخ: (قص ۵۱/۲۶)، مشتری: (قص ۴۶/۱)، برجیس: (قص ۳۵/۳۳)، کیوان: (قص ۷۹/۱۸)، زحل: (قص ۴۶/۵)، شهاب: (قص ۳۴/۱۱)، و... .

اصطلاحات و آلات موسیقی

به مضرابِ اندیشه شو نغمه‌ساز	ز صَـنـجِ معـنـای و قـانـونِ راز
------------------------------	----------------------------------

(م ۱/۸۰)

چون کُنـجِ الـم، دسـت دـهـد تـنـبـورم	چون بزمِ طرب ساز شود قانونم
---------------------------------------	-----------------------------

(ر ۲/۳۰۲)

نیز ر.ک: بریط: (مث ۷۹/۱ و قص ۴۰/۱۸)، ارغنون: (قص ۴۲/۱۸ و غ ۴/۱۷۲)، مضراب: (قص ۱۷/۶۴ و ۲۷/۶۶)، سنج: (ر ۲/۳۹۹)، قانون: (قص ۴۰/۱۸، ر ۲/۲۶۹ و قص ۱۴/۳۵) رباب: (قص ۳۴/۳۳ و مث ۷۹/۱ و)، چنگ: (قص ۴۲/۱۸)، کرنا: (قص ۲۳/۶۷)، دف: (قط ۱/۷۳)، تنبور: (قص ۳۹/۴۰، ر ۱/۳۰۲، مث ۱۳/۲)، طوطک قص ۴۳/۱۸، کمانچه: (قص ۴۳/۱۸)، عود: (قص ۴۱/۱۸)، مزمار: (قص ۴۱/۱۸) و

اصطلاحات طب و بیماریها و داروها

از ضعف وجودت، چو گه و دیده‌ات از حرص
چون کاهربا در پی جذب یرقان است
(قص ۱۲/۶۹)

هر کس به مرگ دیگر و تیغ دگر رود
این زخم جان‌خراش من از خنجر وباست
(قص ۲۶/۷۰)

یرقان: (قط ۱۶/۳۰، قص ۱۲/۶۹)، وبا: (قص ۲۶/۷۰)، رمد: (دیباجه قص ۳ و دیباجه غزل ۱۱۱)، دهن بلسان: (قص ۷۹/۶۰ و ۱۹/۶۹)، اف تیمون: (۹/۶۴)، غاریقون: (قص ۳۱/۱۳، ۱۰/۶۴ و ۵/۷۳).

صطلاحات عامیانه و کوچه‌بازاری

در دیوان اظهري اگرچه به شیوه شاعران سبک اصفهانی باید طیف وسیعی از واژه‌های عامیانه بیابیم، اما شاعر چندان علاقه‌ای به این کار نشان نمیدهد، بطوریکه بندرت واژه‌های عامیانه در دیوان بکار رفته است.

ناز تو کی میکند بر پشت پای خود نگاه
هر کجا بنهاد پای خود، به روی دیده رفت
(غ ۲/۱۲۰)

هیچ یک آزار و آسیب سرانگشتی ندید
در گلستان رخت، گلها همه ناچیده رفت
(غ ۳/۱۲۰)

من اظهري آن بلبل خوش چه چهام
هستند به تحسین همه، در په‌پهام
(ر ۱/۳۸۷)

اربرد اصطلاحات و تعبیرات نو

مقام دیده‌ات محراب ابروست
نشسته مست بر جای امامت
(غ ۳/۱۱۰)

کوه را قهقهه کبک نیاید در گوش
چون صدای جرس جلو شاهین گذرد
(غ ۱۲/۲۲۴)

آن ترک بلندمعه پاک‌نهاد
بالشکر خصم، رو چو در رزم نهاد
(غ ۱/۲۵۰)

سینه‌ریشان (ر ۱/۲۶۶)، ترکش ناز تو از ناوک دل‌دوزی چند (غ ۴/۲۳۰)، با نیزه کنی روح‌ربایی (قص ۲۹/۶۰).

سطح زبانی و آوایی

موسیقی

اظهري از انواع عوامل سازنده موسيقي در سخن خود بهره ميبرد. «هيچ ملّتي را نميشناسيم که از موسيقي بي- بهره باشد» (شفيعي کدکني، ۱۳۶۸) و «شعر را بايد با موسيقي سنجيد تا نيك و بدش آشکار شود» (همان). هنگامی که از موسيقي شعر سخن بميان می آيد، بايد از ردیف، قافیه، آرایه های لفظی و معنوی سخن گفت که بوجودآورنده موسيقي درونی و کناری شعرند. در ديوان مورد بررسی درمييابيم که شاعر علاوه بر توجه به وزن، ردیف و قافیه، به برخی آرایه های لفظی و معنوی و مباحث بيان اهميت ميدهد. در ادامه به نمونه هایی از آنها ميپردازيم.

ردیف در ديوان اظهري و بسامد آن

بوداق در شعر خود از التزامها و انتخاب ردیفهای دشوار خودداری نداشت. شمار ردیفهای شاعر چنین است: از ۸۳ قصیده، ۲۵ سروده، از ۵۰۲ غزل ۱۴۵ مورد، از ۲۲۱ قطعه ۸۱ مورد، از ۵۰۲ رباعی ۳۱۸ ترانه و از ۲۷۱ بیت مثنوی ۶۱ بیت آن، مردّف است. ردیفهای فعلی از بسامد بیشتری برخوردارند. همچنین شماری از اشعار دارای ردیف مرکبند. نمونه:

جلای آینه رویی، تو خود کنی پیدا بلای شیفته مویی، تو خود کنی پیدا
(غ/۴۴)

خو کرده به داغهای پنهان دل من نبود ز پی زخم نمایان دل من
(ر/۵۰۱)

با تو چراست (ر/۴۹۹)، است همه (ر/۴۶۷)، زده سر (ر/۳۹۸)، دارد چشم (ر/۱۷۶)، کی گنجد (ر/۲۳۸)، تو خواهم رفت (قط/۱۷۸).

قافیه

اظهري در انتخاب قافیۀ درخور، هوشمند است. از کل ۱۰۴۴۵ بیت فقط چند مورد اشکال قافیه داشت: در قطعه ۲۷ شاعر حرف «دخیل» را رعایت نکرده است: نادر، گازر، شاطر. شمس قیس رازی میگوید: «حرکت پیش از روی توجیه است». او در رباعی ۲۱۷ «تهی دست» را با «غیب» قافیه آورده است. از جمله: قافیه کردن «ناکسان، خسان، با قطع اللسان» که شاعر به شایگان آمدن قافیه معترف است که «معادل فارسی همان ایطای جلی است، ولی معمولاً آن را درمورد تکرار علامت جمع بکار میبرند» (شمیسا، ۱۳۶۷). همچنین قافیه شدن «آرزوست و کدوست با دوست».

وزن و بحر

اشعار اظهري وزنی فراخور موضوع دارد. او شعر خود را محدد به چند وزن بخصوص نمیکند. گفته اند: «وزن از فصول ذاتی شعر است» (ماهیار، ۱۳۸۲). همچنین «شعر حادثه ای است که در زبان رخ میدهد» (شفيعي کدکني، ۱۳۶۸). با بررسی اوزان اشعار ديوان اظهري اين نتایج بدست آمد:

اوزان ۸۳ قصاید

نام بحر	مجتث	مضارع	رمل	هزج	خفیف	مقارِب	منسرح
تعداد	۲۶	۱۷	۱۷	۱۲	۶	۴	۱
درصد	۰/۳۱	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۱۴	۰/۷	۰/۴	۰/۱

اوزان ۶۲۹ غزل

نام بحر	هزج	رمل	مجتث	مضارع	رجز	خفیف	مقتضب	مقارب	منسرح	سریع
تعداد	۱۹۱	۱۷۳	۱۱۷	۱۳۲	۸	۳	۲	۱	۱	۱
درصد	۰/۳۰	۰/۲۷	۰/۱۸	۰/۲۱	۰/۱	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱

اوزان ۲۲۱ قطعه

نام بحر	رمل	خفیف	هزج	مجتث	مضارع	مقارب
تعداد	۵۵	۴۵	۴۰	۳۷	۳۶	۸
درصد	۰/۲۵	۰/۲۰	۰/۱۸	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۴

اوزان ۷ مثنوی

نام بحر	هزج	مقارب	خفیف	سریع
تعداد	۳	۲	۱	۱
درصد	۰/۴۲	۰/۲۸	۰/۱۴	۰/۱۴

آرایه‌های ادبی در حوزه بدیع

بدیع لفظی

«آن است که زینت و زیبایی کلام وابسته به الفاظ باشد، چنانکه اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر دهیم آن حسن زایل گردد» (همایی، ۱۳۶۸).

واج‌آرایی

صامت «س»: «بریدی گر سر زلفِ سمن سا / سرِ سرو سمن‌سایت سلامت» (غ/۱۱۰)
صامت «ک»: «رباعی، ۸۹»، صامت «س»: «غ/۱۱».

رسته‌است گلِ وفا ز آب و گلِ تو بی بهره دلِ ما شده از حاصلِ تو
بر جانِ ضعیف ما نمی‌آرد رحم وای از دلِ تو، هزار وای از دلِ تو (ر/۲۵۷)

تکرار

جناس

نی آفتِ من ز دیده پرفتنِ شید / هر چیز که شد به من، همان از من شید (ر/۵۷)
کام و کار (قص/۸۶/۶۰)، ملک و کلک (ر/۸۱)، چشم و خشم (ر/۳۸۰)، غرق و عرق (قص/۷/۱۳)، قامت و قیامت (ر/۴۴۰)، کین و کمین (غ/۱/۲۵۶) و نُقل و نُقل (غ/۱/۱۷۹).

سجع

در دیباجة قصیده و غزل نثر مسجع آمده است که نشانگر توان نویسندگی شاعر به سبک منشیان است:
«پادشاهی که آیینۀ صفحه حسامش، چهره‌گشای شاهدِ دین و لمعۀ جوهرِ کلامش، صیقلِ تفرقة اربابِ شک و

یقین است و از آن سپس بر مجمعِ انوارِ ائمه اطهار که ریاحینِ روضه نبوت و گلدسته بوستان فتوتند...»

بدیع معنوی

در دیوان اظهري آرایه‌های معنوی از گونه ابتذال‌زده سبک هندی نیست و بیشتر جنبه‌های عالی و ممتاز این سبک در این دیوان نمودار است؛ از جمله: استفاده زبردستانه از صنایع ادبی، زبان روان و درعین حال پخته، کشف ظرفیتهای تازه در تشبیه و استعاره، بکارگیری هنرمندانه کنایات و بهره‌گیری از فرهنگ مردم در مضمون‌پردازی. برای نمونه شواهدی ارائه می‌گردد:

مراعات نظیر

در هر صفتی که بینمت نیکویی	گر شیرِ و گر پلنگ، گر آهوئی
گر بازی و گر کبوتری، گر کبکی	گر شاهین، گر تذرو، گر تیهویی (۲۴)

تضاد

ای سرو، به هر سر که هوای تو فتاد / گر شاه جهان بود، گدای تو فتاد (ر/۴۶۸)
مگر گلش به شکر خنده، ترش و شیرین است / که حسرت شکرش آب آورد به دهان (قص/۲۵/۷۷)

متناقض‌نما

لعل لب شیرین تو شورآمیز است / نشنیده کسی چاشنی قند، نمک (ر/۲۱۴)
هزار دل، نمک آن لب از حلاوت سوخت / تو اظهري، نمکی دیده‌ای که شیرین است؟ (غ/۷/۱۳۰)

لف و نشر

من سوخته آتش پروانه و شمعم / کاین سوزد و آن گرید و یک ناله نباشد (غ/۱۶۹)
نیز ر.ک: (قص/۲۷۷/۵).

اغراق

از خشم درآید چو ابروی تو آژنگ	از جان گسلد رشته آمید امم
زلفِ سیه تو، روزگار آشوبد	مژگان تو جانِ خلق بر هم کوبد
از بهرِ نهان کردنِ خونها که کنی	گیسوی تو از عقب زمین را روبد (ر/۶۹)

را (قص/۵۵/۱۵)

تلمیح

تلمیحات غنایی

«شیرینی و جا به پشتِ گلگون داری	فرهاد صفت، بسی جگرخون داری
لیلی به تصرفِ تو کی بوده که تو	در هر دشتی، هزار مجنون داری؟» (ر/۴۱۸)

بگذشت بسی بهار، پژمرده نشد / در خاطر محمود، گل شوقِ ایاز (ر/۵۵)

تلمیحات اساطیری

تلمیحات اساطیری را باید به سه دسته تقسیم کرد. ۱) اشخاص: شامل شخصیت‌های مثبت و منفی، پهلوانان و شاهان اساطیری و حماسی ایرانی مانند: فریدون، پرویز، ضحاک، بیژن، زال، رستم، جمشید، کسری و ... ۲) ابزار: مانند گرز، خدنگ، سوفار، ببریان، فسان و ... ۳) موجودات ویژه مانند سیمرغ، رخس، هما. چه سود از آنکه تلخ افغانی زال / شکر آلا کند در کام بهمن (قص ۱۵/۷۳) چون رأیت رستمی به عیوق رسید / بیجن ز سر تپاول فتنه نشست (قط ۱/۱۰) از حلقه عیش ما الم مأیوس است / از حالت فقر ما خجل کاووس است (ر ۱/۲۹)

تلمیح اشخاص

«دهد خبر سر کلکم ز فکر افلاطون / کند سخن، لب طبعم ز ذهن بطلمیوس سواد نسخه من، لب حکمت بقراط / خطوط خامه من، عین حفظ جالینوس» (قص ۲۴/۱۹ و ۲۵ ر.ک: (ارطیون: (قط ۲/۹۶)، سبکتکین: (غ ۴/۱)، سبحان: (قص ۲۷/۶۷)، افلاطون: (قص ۱۴/۸۰)، جالینوس: (قص ۲۴/۱۹)، دقیانوس: (قص ۲۷/۱۹)، قارون: (قص ۲۳/۶۴)، بهلول: (قص ۳۵/۴۴).

تلمیحات دینی

اظه‌ری به نام و القاب پیامبران و اشخاصی که در تاریخ دینی حضور دارند، تلمیحاتی دارد. مانند: بیرون خبر که برد ز عالم چنین که زد در جیب چاک صاحب تشریف آتما (قط ۱۰/۳) ز مجلسی که زلیخا شب وصال آراست چراغ روشنی چشم پیر کنعان سوخت (غ ۵/۸۸) هزار جان مسیحا نهفته در ته لب هزار یوسف کنعان فکنده در بن چاه (قص ۶/۵۷) ادريس: (قص ۹/۸۲ و قص ۵۱/۵۰)، یعقوب: (غ ۳/۱۰۳)، یوسف و زلیخا: (غ ۷/۱۱۷)، نوح: (غ ۶/۴۲۴)، سلیمان: (قص ۳/۷۸)، عیسی: (قص ۵/۶۹)، اسماعیل و ابراهیم: (قص ۲/۶۸)، خضر: (غ ۸/۳۰)، موسی: (غ ۲/۴۵۸)، اسکندر: (قص ۵۶/۵۰)، آسیه: (قص ۳۲/۵۰)، هاجر: (قص ۳۳/۵۰)، ساره: (قص ۳۲/۵۰)، مریم: (قص ۱۷/۸۲)، قارون (غ ۱/۵۵۶) و ...

حسن تعلیل

یکی از آرایه‌های پرکاربرد اظه‌ری است. «اصطلاحی بلاغی و صنعتی از جمله صنایع بدیع معنوی، به معنی زیبا و هنرمندانه آفریدن علت در سخن ادبی است» (دادبه، ۱۳۹۱). در بی‌وفایی یار: «گل‌چهره بتم در بر اغیار نشست بر آتش غیرتم، دل زار نشست منعش نتوان کرد که در گلشن دهر گل بود از آن به پهلوی خار نشست» (۱۲۶) در سیاهی خال: زلف تو ز شوق تو برآشفته شده است / خال تو ز عشق تو سیه پوشیده است (ر ۲/۲۷۵)

در زرد شدن گیاهان: ز بس که سود به کوی تو اظهري، رخ زرد / گیاه طرف حریمت چو زعفران برخاست (غ/۱۵۶/۷)

اسلوب معادله

فتاد در کف مژگان هر آنچه دل اندوخت / همیشه مالِ توانگر نصیبِ خویشان است (غ/۱۱۳/۲)
طایران را ذوق هست و همت پرواز نیست / در چمن باد صبا محبوسِ دامِ سنبل است (غ/۱۱۵/۲)
در گلستان رخت، مرغِ دلم در ناله‌هاست / بلبلان را شیوه در گلزار، افغان کردن است (غ/۱۱۹/۸)

حس آمیزی

چه فیض از حرفِ خاطرجویی‌ام بر دل رسد، یا رب / که شیرین‌کامیِ جانم ز ذوقِ زهرِ دشنامی است (غ/۱۱۸/۲)
طوطی رود از هوش، ز شیرینیِ نطقم / بلبل فتد از ناله، ز گل‌بانگِ نوایم (قص ۱۳/۷۷۲)

سطح لغوی

کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات عربی

اظهري گاه به شیوه هم‌عصران خود بخشی از قافیه‌ها را از بین کلمات نامأنوس عربی همچون زیبق، جوسق، سمرق، خرق، عقق، لقلق، دق، یلمق، جوزق، قرطق، بهق را قافیه قرار داده است. شمیسا میگوید شاعران سبک هندی با استفاده از لغات غیرمعمول عربی می‌خواهند (لابد به تقلید از منوچهری) زبان خود را ادبی و فاضلانه نشان دهند (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ص ۳۰۴). شاعر با بکار بردن واژه‌های عربی در دیباچه و ترقیمه صنعت سجع می‌آفریند. نمونه: «افتتاح ابواب خزاین سخن به مفتاح دلگشای ثنای یگانه‌ای که شیرازه‌بند مجموعه کاینات و چمن‌پیرای سرابستان حیات است و انجلای ابصار شواهد معانی به مصباح جهان‌آرای انوار عنایت و طلیعه کشورگشای صبح هدایت، پادشاهی که مالک عالم ملکوت و صاحب سریر جبروت است و...» (دیباچه ا.ر).

کاربرد واژه‌های دشوار و مهجور

کرد تأثیر فلک، کسب علوم فکرتم سوخت جان مشتری، از گوش مالِ لامساس (قص ۲۴/۴)
نیز: سَلَمِ نردبان (قص ۴۴/۳۸)، نحاس: مس (قص ۲۵/۴)، خشف: آواز (قص ۵۶/۵): بلهْم: سخت نادان (قص ۲۶/۱۲)، الوا: رُستنی بسیار تلخ (قص ۱۵/۷۳)، أجاج: تلخ و شور (قص ۲۹/۱۰)، زایجه: لوحه‌ای مدور برای رصد مواضع سیارات (قص ۳۹/۵۹)، زجاج: شیشه (قص ۱۴/۱۰)، بَقَم: چوبی سرخ (قص ۱۸/۱۰)، اوداج: رگهای گردن (قص ۱۸/۱۰)، کلال: کوزه‌گر (قط ۳/۱۸۵).

برخی نکات املایی و نگارشی

– کاربرد خواست (نادرست) و خاست (درست): در همه جای دیوان به این صورت آورده است.
مرا ز شرم تهی بازگشتن کف طبع / هزار دجله عرق، از جبین جان برخواست (قط ۱۹)
برنخاست (غ ۱۱۶)، برخاست (ر ۹۴)، برخاست (غ ۱۵۶)، برنخواست (قص ۲/۳۳).

غلط املایی

حال خود عرض نمودم به غرض خورده مگیر / چه کنم؟ سهل گرفتن نتوان، کار دل است (قط ۸/۲۶)
صد گواه است مرا هر طرف از خورد و بزرگ / که یکی تیر شهادت به غلط ندازد (قط ۸/۲۹)
مست هر جا که میکند منزل / در مقامش کسافتی ز قی است (قط ۲/۱۱۴)
- حذف «ه» بیان حرکت: در کلمات مختوم به «ه» بیان حرکت هنگام اضافه شدن به نشانه جمع فارسی «ها»، حذف میشود.

مرا است طبع جنونی به نکته‌های خرد / که هست عاقل دیوانگان، بجز بهلول (قص ۳۵/۴۴): نکته‌ها
برنمیگیرند یک ساعت نظر از روی تو / دیده‌های انجم افلاک، حیران تو شد (غ ۴/۱۸۲): دیده‌ها

- کاربرد (ه بیان حرکت)، با وجود آمدن واج میانجی:

مکن ز درگه خود ناامید در همه عمر / ز بهر رزق به آمید سفله‌گان مگذار (قص ۵۴/۸۲): سفلگان

- اتصال حرف اضافه «به» به ابتدای واژه‌های پس از آن (متّمم):

خیل مژدهات چو جنگ جویند / صد فتنه بهر دیار باشد (قص ۱۱/۷۵)
نیز: بروزگارت: به روزگارت (قص ۲۴/۷۵)، بخدنگ: به خدنگ (قص ۱/۷۵)، برنگینی: به رنگینی (غ ۵/۷۵)، بته: به ته (غ ۶/۷۵)

- کاربرد ج بجای چ:

غمزه از فتنه چو شمشیر شجاعت خون‌ریز / چهره از باده چو خورشید قیامت سوزان (قص ۱۹/۶۲)
نیز: چنان: چنان (قص ۲۱/۶۲).

- کاربرد «ک» بجای «گ»:

دیده خرم از وصال و سینه سوزان ز اشتیاق / صد چمن کل در نظر، صد کلخن آتش، در دل است (غ ۳/۹۰): گل، گلخن
نیز: بانگ: بانگ (۲۷۴پ)، گوش: گوش (۲۴۹ر)، سرکشته: سرگشته و سرگردان: سرگردان (قص ۴/۹۰).

- کاربرد «می» بصورت پیوسته به فعل ماضی استمراری و مضارع اخباری

هنگام دیدن تو سراسیمه میشود / از هول کبریای تو در دیده‌ها نگاه (قص ۲۱/۱۱)
کس نمی‌فهد زبانم جز فلاتون خرد / میشود صد مدعا ظاهر ز هر ایماي من (قص ۲۶/۱۳)

- جدانویسی «ن» منفی‌ساز و «ب» مضارع ابتدای فعلها:

نه بیند دلم آشنا جز فغان / نیابد لبم هم‌زمان جز این (قص ۱۹/۷۴)
اظهري در باغ بهر خاطر گل لب به بند / بی‌زبان صد بلبل از تأثیر افغان تو شد (غ ۷/۱۸۲)

بهره‌گیری از ویژگیهای سبک خراسانی

- استفاده از شکل کهن حرف اضافه «اندر» بجای «در»

دو زخ اندر نظر دشمنت آید چو بهشت / در زمانی که حُسام تو شود آتش‌بار (قص ۲۱/۵۱)

– استفاده از صورت کهن افعال:

زان خصم به رزم تو، همی پای نهـد / پیش / کز تیغ تو جوید بلدی، راهِ عدم را (قص ۱۳/۵۵)
هست معمار هنوزش پی کار / ورنه تا منزل بهرام شدی (قط ۷/۷۴)

– کاربرد ضمیر اشاره «آن» بشکل پیوسته به اسم بعد از خود:

یا رب شود آنزمان که از روزِ سفید / چون زلفِ سیاه سرگذارم به برت؟ (ر ۲/۲۸۴)

– پیوسته نویسی «را» با واژه بعد از خود:

دلرا مژدات ز سینۀ چاک کشید / جان را سرِ گیسویِ تو بر خاک کشید (ر ۱/۴۴۶)

– بکار نبردن «ای» نکره در سراسر دیوان:

به برِ یاسمینِ آن گلشن / دستِ زین گیا فرستادم (قط ۱۷/۱)
قطعه چند از نسِیحِ سخن / بهرِ شاه و گدا فرستادم (قط ۱۸/۱)

– سرهم نویسی کلمات جدا و مستقل:

یکقطره خون نماند به رنگینی کفّت / دست تو را هنوز غرور نگارهاست (غ ۵/۷۵)
یکره نگاه کن به ته پایِ خویشتن / در هر خرام بر سر راهت نثارهاست (غ ۶/۷۵)

سطح ادبی (بیان)

«بیان دانشی است که در آن از چگونگی بازگفت و بازنمود اندیشه‌ای به شیوه‌های گوناگون هنری سخن میرود» (کزازی، ۱۳۷۳). در دیوان اظهري شیرازی درکنار زیبایی قابل توجه اشعار، صنایع بیان به اقتضای حال در ضمن کلام می‌آیند و به دور از تصنع شعری سبک هندی، گرایش به سادگی دارند. برای نمونه:

تشبیه: در دیوان اظهري تشبیه بسامد بسیار بالایی دارد. در بررسی انواع تشبیه بکار رفته در دیوان او درمیابیم که اغلب تشبیهات حاصل دقت شاعرانه در محیط پیرامون خود برای آفرینش تصاویر بدیع است. برای نمونه:

«کوی تو به دشتِ کربلا میماند	زلفِ تو به طومارِ بلا میماند
ابروت به محرابِ دعا میماند	چشمِ تو به گلِ قبله‌نما میماند» (ر ۶۰)

– تشبیه بلیغ

گلستانی به رخ، سروی به قامت / بدین خوبی بمانی تا قیامت (غ ۱/۱۱۰)
بی‌باک رود جانِبِ اقلیمِ جمالش / در راهِ دلم، خوف ز چاهِ ذقنی هست (غ ۵/۱۵۷)
نیز: پیراهن دل (ر ۲/۶۲)، زنجیرِ بلا، مرغِ دل و دامِ حلقهٔ مو (ر ۲۸۵)، دُرچِ دهان (ر ۱/۳۵۰)، کعبهٔ رُخ (ر ۲/۳۵۵).

– تشبیه تفصیل:

سرو چمنی هیچ‌گه از جای نجنبید / قدّ تو چو سرو است ولی سرو روان است (غ ۲/۱۶۱)

کمتر ز آفتاب ندیدیم گلرخی / از آفتاب بهتر و از مه زیاده‌اند (غ/۲۷۷)
طوبی ز قد تو خجل ای حورسرسشت / شرمنده ز روی تو مه از عارض زشت (ر/۳۷۳)

– تشبیه مضمیر:

خال سیه غریب فتاده است بر رخت / هندو که دیده است که در کعبه زاده‌اند (غ/۲۷۷)
یار من از آفتاب، زین فرق شود / خورشید سفیدرنگ و او گلگون است (ر/۱۱۰)
استعاره: استعاره در اشعار اظهري با بسامد بیشتری دستمایه شاعری قرار می‌گیرد. «فضیلت استعاره در این است که در هر لحظه می‌تواند بیان را صورت تازه‌ای ببخشد و از یک واژه چندین نتیجه حاصل شود (عبدالقاهر جرجانی، به نقل از شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶).

«آن ماه که بر رسم وفا می‌آید / شاهی است که جانبِ گدا می‌آید
هر کس به سوی کعبه روان می‌گردد / آن کعبه به پای خود به ما می‌آید» (ر/۲۷۴)

– استعاره مکنیه

فلک ز غصّه، سحر جیب خویش چون ندرد؟ / خیام جاه تو بر چرخ، دامن‌افشان است (قص/۷۸)
جبین ساده خورشید از درت رنجه / قد خمیده گردون به خدمت چوگان (قص/۷۷)
در باغ، صبا وصفِ جمالت گوید / ماند گل و لاله را از آن، باز دهان (ر/۲۸۲)

– مجاز

استعاره کاربرد لفظ مفرد یا مرکب است در معنای مجازی (= غیر ما وُضِعَ له)، به علاقه مشابهت با معنای حقیقی (= زبانی)، همراه با قرینه‌ای که ذهن را از معنای حقیقی (= اصلی = زبانی = ما وُضِعَ له) منصرف، و متوجه معنای مجازی کند.

خوش‌وقت جهان ز حُسنِ روزافزونت / عاجز قلم از وصفِ ز حد، بیرون (ر/۳۳۶)
جهان مراد مردم جهان است به علاقه محل به حال (محلیه)، قلم مجاز از نوشته‌ها به علاقه آلیه.

– کنایه

دل بسته دام زلفت افزون کردی / جان همه را جمع به هم، خون کردی
دل بردن ما به ظلم، سهل است اما / بر ماهوشان دهر، قانون کردی (ر/۳۴۴)
نیز: ز پا افکندن: کنایه از خسته و درمانده کردن (ر/۱۴۶)؛ در مغزِ عدوی تو نهد خوابِ گران را: کنایه از ایجاد اندیشه مرگ (قص/۴۳/۶۰)؛ در آب و گل نبودن: کنایه از وجود نداشتن (مث/۱۲۱/۲)؛ صحیفه را در خون نشانیدن: کنایه از سخنان غم‌انگیز نوشتن؛ پای در گل داشتن: کنایه از گرفتار بودن (ر/۱۶۵).

– تصویر آفرینی در ویژگی ظاهری یار

توانایی شاعر را در توصیف‌گری می‌توان در قصیده ۷۷ دید و معشوق او را بروشنی و زیبایی مجسم نمود: نرگش سیاه، لؤلؤ دندانش عقد ثریا، لبش گوهر شاداب، ذقنش چاه کنعان، سهی قد با گردنی بلند، موی میان، لعل لب، غنچه شاداب و... است.

فشانده قند مکرر، ز حقه یاقوت / نموده عقدِ ثریا ز لؤلؤ دندان (قص/۷۷)

چو آب، صاف و چو گل، تازه و چو نقره، سفید / ز پنبه نرم و ز جان نادر و ز دُر، رخشان (قص ۲۸/۷۷)
کرد از رخ، روز و از گیسو، شب از ابرو، هلال / خوش بساطِ عالمی آن شوخ، بر هم چیده رفت (غ ۶/۱۲۰)

نتیجه‌گیری

اظهري شیرازی بعنوان یکی از شاعران ناشناخته نیمه دوم قرن یازدهم به شیوه شاعران سبک اصفهانی (هندی) به طبع آزمایی پرداخته است. از آنجاکه درباره این شاعر خوش‌قریحه و پرکار، اطلاعاتی جز آنچه در دیوان وی آمده، در دست نیست، بنابراین زمان حیات او را از میان سروده‌ها و ماده‌تاریخهای او از ۹۹۱ ه. تا حدود ۱۰۶۱ یا کمی پس از آن باید دانست. دیوان او نسخه‌ای منحصر بفرد است که با شماره ۳۷۷ در بخش نسخ خطی کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری نگهداری میشود. نسخه مورد نظر شامل ۶۲۹ غزل، ۸۳ قصیده، ۲۲۱ قطعه، ۵۰۲ رباعی و ۷ مثنوی است. از بررسی دیوان این شاعر میتوان نتیجه گرفت که او شاعری خوش‌قریحه و توانا بوده - است. در سه سطح فکری، زبانی و ادبی این نتایج بدست آمد:

سطح فکری: از نظر محتوا، موضوعات عاشقانه، مذهبی و ماده‌تاریخ، سه درونمایه اصلی در اشعار وی هستند. با توجه به فراوانی سروده‌ها و تنوع قالبهای شعری دیوان، و نیز توجه او، بعنوان یکی از شاعران سبک اصفهانی به لزوم پیروی از مفاهیم اشعار سبکهای پیش از خود، میتوان مضامین اخلاقی و دینی، عشق، تملق، اصطلاحات نجومی، طبی، موسیقی و باورهای عامیانه را در دیوان او مشاهده کرد.

سطح زبانی: در بخش لغوی اگرچه یکی از ویژگیهای شعر سبک اصفهانی وفور واژه‌های عامیانه و نیز عربی در اشعار شاعران است، این خصیصه کمتر در شعر اظهري مشاهده میشود. در بخش آوایی، واج‌آرایی، تکرار و انواع جناس پربسامدترین آرایه ادبی در حوزه بدیع لفظی در این دیوانند. انتخاب اوزان خاص و متناسب با مفهوم مورد نظر در اشعار و بکارگیری ردیفهای فعلی طولانی که موجب غنای شعر و کمال مفهوم قافیه است، نیز از ویژگیهای اشعار اوست.

سطح ادبی: در دیوان اظهري آرایه‌های معنوی از گونه ابتذال‌زده سبک هندی نیست و بیشتر جنبه‌های عالی و ممتاز این سبک در این دیوان نمودار است؛ از جمله استفاده زبردستانه از صنایع ادبی، زبان روان و درعین حال پخته، کشف ظرفیتهای تازه در تشبیه و استعاره، بکارگیری هنرمندانه کنایات و بهره‌گیری از فرهنگ مردم در مضمون‌پردازی. بالاترین بسامد صور خیال در اشعار اظهري تشبیه و استعاره و انواع آنها و کنایه است. پس از آن، آرایه‌های تلمیح و مراعات نظیر بیشترین کاربرد را دارد. اغلب استعارات موجود در دیوان اظهري، کلیشهای هستند و بسامد تلمیحات غنایی شاعر بیشتر است. صور خیال اشعار اظهري در دیوان شاعران پیشین نمونه‌های فراوانی دارد. رعایت این ویژگی، شاعر را به شیوه تصویرآفرینی شاعران سبک خراسانی نزدیکتر کرده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان استخراج شده است. آقای دکتر اصغر دادبه راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم رعنا نوحی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر عبدالرضا مدرس زاده نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای

تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

در پایان از استادان فرهیخته‌ام، دکتر اصغر دادبه و دکتر عبدالرضا مدرس‌زاده و دوست عزیزم خانم زهرا مرتضی-پور صمیمانه سپاسگزارم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Dadbeh, Asghar. (۲۰۰۲). Complaining poem. Great Islamic Encyclopedia. Volume ۱۱. pp. ۳۴۲-۳۴۶.
- Dadbeh, Asghar. (۲۰۱۲). Literary reason. Great Islamic Encyclopedia. Volume ۳. pp. ۶۰۳-۶۰۶.
- Homayi, Jalaluddin. (۱۹۸۹). Rhetoric and literary crafts. Sixth edition, Tehran: Homa, pp. ۳۱, ۳۸, ۱۱۱ and ۴۰۶.
- Kazazi, Mir Jalaluddin. (۱۹۹۴). Meanings. Third Edition. Tehran: Markaz Publishing, p. ۲۶.
- Mahyar, Abbas. (۲۰۰۳). Persian pronouns. Sixth edition. Tehran: Qatreh, p. ۱۴.
- Modarreszadeh, Abdolreza. (۲۰۱۵). From Sistan to Tehran. Kashan: Islamic Azad University, Kashan Branch, pp. ۲۸۶ and ۲۸۸.
- Safa, Zabihullah. (۱۹۹۹). History of literature in Iran. Fifth Edition: ۲nd ed. Tehran: Ferdows, pp. ۱۱۸۱-۱۱۸۳.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza. (۱۹۸۷). Imagination in Persian poetry. Third Edition. Tehran: Agah, p. ۱۱۲.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza. (۱۹۸۹). Poetry music. Second edition. Tehran: Agah, pp. ۳, ۴۴ and ۴۶.
- Shamisa, Sirus. (۱۹۹۸). Familiarity with pronouns and rhymes. Second edition. Tehran: Ferdows, p. ۱۰۵.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۱۴). Stylistics of prose. Second edition. Tehran: Mitra, p. ۲۵۶.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۱۵). Stylistics of poetry. Second edition. Tehran: Mitra, ۲۷۶ and ۳۰۴.
- Shams al-Din Mohammad ibn Qays Razi. (۱۹۵۶). Dictionary in the criteria of non-Arabic poems. Edited by Mohammad Qazvini. Tehran: University of Tehran, p. ۲۶۴.

فهرست منابع فارسی

- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس. (۱۳۶۷). چاپ دوم. تهران: فردوس.
- از سیستان تا تهران، مدرّس زاده، عبدالرضا. (۱۳۹۴). کاشان: دانشگاه آزاد اسلامی کاشان.
- بث الشکوی، دادبه، اصغر. (۱۳۸۱). دانشنامه بزرگ اسلامی. جلد ۱۱، صص ۳۴۶-۳۴۲.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۱). چاپ پنجم: بخش دو. تهران: فردوس.
- حسن تعلیل، دادبه، اصغر. (۱۳۹۱). دانشنامه بزرگ اسلامی. جلد ۳، صص ۶۰۶-۶۰۳.
- سبک شناسی شعر، شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). ویرایش دوم. تهران: میترا.
- سبک شناسی نثر، شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳). ویرایش دوم. تهران: میترا.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). ویراست سوم. تهران: آگاه.
- عروض فارسی، ماهیار، عباس. (۱۳۸۲). چاپ ششم. تهران: قطره.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین. (۱۳۶۸). چاپ ششم. تهران: هما.
- معانی، کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۷۳). ویرایش سوم. تهران: نشر مرکز.
- المعجم فی معاییر اشعارالعجم، شمس الدین محمد بن قیس رازی. (۱۳۳۵). تصحیح محمد قزوینی. تهران: دانشگاه تهران.
- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۸). چاپ دوم. تهران: آگاه.

معرفی نویسندگان

- رنا نوحی:** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.
(Email: nouhi1389@gmail.com)
- اصغر دادبه:** استاد بازنشسته گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
(Email: adaadbeh@yahoo.com) (نویسنده مسئول)
- عبدالرضا مدرّس زاده:** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.
(Email: drmodarreszadeh@yahoo.com)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

- Rana Nouhi:** PhD student in Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.
(Email: nouhi1389@gmail.com)
- Asghar Dadbeh:** Retired Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.
(Email: adaadbeh@yahoo.com) : Responsible author)
- Abdolreza Modarreszadeh:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.
(Email: drmodarreszadeh@yahoo.com)